

دژخیم عشق

این روزها مشغول خواندن «دژخیم عشق»، نوشته اروین یالوم هستم که توسط غلامحسین سدیر عابدی به فارسی برگردانده شده است. نسخه انگلیسی آنرا پیشتر دیده و خوانده بودم، اکنون نسخه فارسی آنرا در مطالعه گرفته‌ام. در میان داستان‌های ده‌گانه جذاب این اثر در حوزه روان‌درمان‌گری، داستان «متشکرم که زندگی‌ام را نجات دادید»، تداعی‌کننده رمان خواندنی «درمان شوپنهاور»، دیگر اثر یالوم است. همچنین، داستان «هرگز فکر نمی‌کردم این بلا سر من بیاید»، یادآور برخی از فقرات آخرین اثر یالوم، «شدم آنکه هستم» و خاطرات دوران بچگی و روابط پر تنش یالوم با مادرش است.

از نکات تأمل برانگیزی که یالوم در بحث از «مسلمات هستی»، آموزه محوری «روان‌درمانی اگزستانسیل» خود در این اثر ذکر می‌کند، ریشه فعل *decide* در زبان انگلیسی است. *decide* با *homocide* و *suicide* هم خانواده است؛ کلمه *cide* در این افعال به معنای کشتن و به قتل رساندن و است. در واقع *decide* به معنای کار را یکسره کردن و حذف کردن و چشم پوشیدن و کشتن گزینه‌های دیگر است و یک گزینه را برگرفتن و اختیار کردن. در زبان فارسی، *decide* را تصمیم گرفتن و مصمم شدن معنا کرده و بکار می‌بریم. «تصمیم» واژه و کلمه‌ای عربی است که وارد زبان فارسی شده و معنای تحت‌اللفظی آن کر شدن است. (صمم، فعل مضاعف است و اصم به معنای کر با آن هم خانواده است). به تعبیر دیگر، تصمیم گرفتن و مصمم شدن؛ متضمن دل را یکدله کردن است و سخنان دیگر را نشنیدن و کر شدن و عزم خود را جزم نمودن و عمل کردن. جالب است که گزینه‌ای را اختیار کردن و حذف گزینه‌های دیگر، در زبان انگلیسی با فعل *decide* بیان می‌شود که از ریشه *cide* به معنای کشتن می‌آید؛ و در زبان عربی با مصدر تصمیم بیان می‌شود و از ریشه «صمم» می‌آید به معنای کر شدن. رصد کردنِ تطوّر معنای یک واژه در یک زبان در درازنای زمان، همچنین مقایسه و تطبیق آن با واژگان مترادف در زبان‌های دیگر، تلقی من و تو از تجربه زیسته‌ی درازآهنگِ انسان دو پا بر روی کره خاکی را غنی تر و جامع‌الاطراف تر می‌کند.

خواندن مجموعه داستان «دژخیم عشق» را به دوستانی که علاقه‌مند به روان‌درمان‌گری، عموماً و روان‌درمانی اگزستانسیل، خصوصاً هستند و رمان‌های اروین یالوم، «وقتی نیچه گریست»، «درمان شوپنهاور» و «مسئله اسپینوزا» را با لذت خوانده‌اند؛ پیشنهاد می‌کنم.